

بررسی الگوی تطبیقی گسترش نابرابری‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

اکبر اصغری‌زمانی^۱، محسن احدنژاد روشتی^۲، *شاهرخ زادولی خواجه^۳

^۱دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، آدانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان،

^۲دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۹

چکیده

حاشیه‌نشینی در ایران همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نمودی از روند رو به رشد نابرابری‌های فضایی در شهرها است. این شیوه سکونت، در شهر تبریز- به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای کشور- با سرعت روزافزونی افزایش می‌یابد. بنابراین شناخت نارسایی‌ها و کمبودها در سطح مناطق حاشیه‌نشین ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اهمیت تحلیل فضایی نابرابری‌ها در مناطق حاشیه‌نشین شهری، هدف این پژوهش تحلیل توزیع نابرابری‌های اجتماعی و نشان دادن حرکات این نابرابری‌ها از حاشیه جغرافیایی به متن یا برعکس در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز است. روش پژوهش، کاربردی از نوع توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است که از مدل تحلیل عاملی در محیط نرم‌افزار کامپیوتری SPSS استفاده شده است. در این پژوهش، پانزده شاخص اجتماعی به چهار عامل ترکیبی در سال ۱۳۷۵ و سه عامل در سال ۱۳۸۵ تبدیل شده و نتایج با بهره‌گیری از مدل تحلیل عاملی برای ارزیابی نابرابری‌های اجتماعی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های اولیه در مورد شاخص‌های اجتماعی، از ۲۰۹۰ بلوک در سال ۱۳۷۵، تعداد ۳۶ بلوک معادل ۱/۷۳ درصد خیلی مطلوب، ۳۱۱ بلوک معادل ۱۰/۱ درصد مطلوب، ۱۳۱۲ بلوک معادل ۶۲/۷۶ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۴۱۲ بلوک معادل ۱۹/۷۱ درصد نامطلوب و تعداد ۱۱۹ بلوک معادل ۵/۶ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. هم‌چنین بر اساس یافته‌های اولیه از ۲۱۱۶ بلوک در محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵ نیز تعداد ۷۱ بلوک معادل ۳/۳۵ درصد خیلی مطلوب، ۱۰۳۱ بلوک معادل ۴۸/۷۳ درصد مطلوب، ۸۱۶ بلوک معادل ۳۸/۵۶ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۱۵۳ بلوک معادل ۷/۲۳ درصد نامطلوب و تعداد ۴۵ بلوک معادل ۲/۱۳ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. آمارها بیانگر آن است که شاخص‌های اجتماعی در محدوده مورد مطالعه از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، ارتقای کمی و کیفی پیدا کرده است. از جمله روش‌های اجرایی برای ارتقای این شاخص‌ها می‌توان از زمینه‌سازی برای مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای مهاجران اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: نابرابری‌های اجتماعی، مناطق حاشیه‌نشین، تحلیل عاملی، تبریز

مقدمه و طرح مسأله

درصد افزایش خواهد یافت، که به موجب آن آفریقا و آسیا، نرخ سریعی از شهرنشینی را تجربه خواهند کرد و مراکز شهری در قاره آفریقا، ۶۱/۸ درصد را در این نقاط خواهد داشت (UN- HABITAT, 2008, 2009). این نرخ و مقیاس از جمعیت شهری، همراه تغییرات آب و هوا و تقلیل منابع، نگرانی‌های زیادی را به‌عنوان فاجعه محیطی و انسانی به‌وجود خواهد آورد (Blanco, et al,

در سال ۲۰۰۸، نیمی از مردم جهان در مناطق شهری زندگی می‌کردند و تا سال ۲۰۵۰ به هفتاد

* مسئول مکاتبه: sh.zadvali@yahoo.com

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با عنوان ارزیابی جابجایی سلولی شاخص‌های کالبدی- اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز می‌باشد.

ملل متحد نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۰، جمعیت شهری ایران نه تنها به دو برابر خواهد رسید بلکه ده میلیون نفر از این ساکنان جدید در شمار گروه‌های کم‌درآمد شهری خواهند بود که حدود پنج تا هفت میلیون نفر از آن‌ها در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهرهای بزرگ و نواحی مادرشهری ساکن خواهند شد (UN Habitat, 2008: 3).

گروه‌های کم‌درآمد برای تأمین مسکن - از تأمین زمین، میزان برخورداری از خدمات اساسی، نحوه تصرف و نوع مالکیت مسکن تا تأمین اعتبار مالی (وام) و بازپرداخت آن - با مشکل مواجه‌اند و به تعبیری از پیران، ادامه این فرایند از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی خواهد بود (پیران، ۱۳۸۷: ۱۷). هم‌چنین این مناطق از شهرها از نظر شاخص‌های اجتماعی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند و از طرفی در سطح این مناطق نیز شاهد نابرابری‌های اجتماعی بین ساکنان آن هستیم. نابرابری اجتماعی^۱ ناظر به وضعیتی است که در آن، منابع و خدمات ارزشمند اجتماعی به‌طور مساوی در دسترس اعضای جامعه قرار نگرفته باشد. این مفهوم در متون جامعه‌شناسی در چارچوب نظریه قشربندی مطرح شده و سوابق آن نیز بیش‌تر بر مفاهیم «طبقه» و «پایگاه اجتماعی» متمرکز شده است (Lawson and Tood, 2002: 297; Kerbo, 2003: 21).

معنای اولیه نابرابری به تمایز میان افراد اشاره دارد، به نحوی که بین زندگی آن‌ها به‌ویژه از نظر حقوق، فرصت‌های زندگی، پاداش‌ها و امتیازات، اختلاف آشکار و پنهان زیادی وجود داشته باشد (گروپ^۲، ۱۳۷۷: ۱۰). از جمله تأثیراتی که الگوی فضایی فضایی نامتوازن برخورداری تسهیلاتی و خدماتی در حیات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی یک شهر بر جای می‌گذارد، می‌توان به مواردی چون ایجاد ارزش متفاوت زمین شهری تحت تأثیر الگوی توزیع نامتناسب (حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۱)، جداگزی‌نی‌های اکولوژیک و شکاف روزافزون و دوقطبی

(221: 2009). هم‌چنین باید توجه کرد که بخش زیادی از جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه، وابستگی بسیاری به بخش غیررسمی دارند (UN- HABITAT, 2009). افزایش این مناطق اسکان غیررسمی معمولاً با واکنش‌های سنجیده مرسوم بی‌اثر می‌شود. این راه‌ها و استراتژی‌ها به صورت کوتاه‌مدت هر گونه افزایش مناطق حاشیه‌نشین را کاهش می‌دهد. این پیشنهادها، ابزار و رویکردهای جدیدی هستند که سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند برای بهبود درک و مدیریت رشد مناطق حاشیه‌نشین استفاده کنند (Sietchiping, 2004: 117).

به‌نظر، سیاست‌های مختلف و استراتژی‌ها و برنامه‌هایی وجود دارد که دولت‌های جهان سومی طراحی کرده‌اند تا مشکل مسکن شهری را که بخش عمده‌ای از معضلات شکل‌گیری مناطق اسکان غیررسمی است حل کنند. این رویکردها شامل برنامه‌ی مسکن عمومی، برنامه‌ی خدماتی منطقه‌ای و افزایش سطوح مسکن مناطق ... است. اما این برنامه‌های در مقیاس کلان به اهداف خود در برطرف کردن نیاز مسکن شهری نرسیده‌اند (Fekade, 2000: 132).

طبق نظر هالفراکری، حاشیه‌نشینان نمونه‌ای از نامتجانس‌ها شناخته شده‌اند که نسبت به مباحث مربوط به شکل آینده حومه شهرهای انگلیس بی‌صدا هستند و از آن‌ها هیچ نظری خواسته نمی‌شود (Halfacree, 2001: 57). از طرفی حاشیه‌نشینان که به‌دلیل مشکلات قانونی ساخت‌وساز در حاشیه شهر و هم‌چنین مشکلات مالی خود توان ایجاد منطقه مسکونی مناسبی ندارند، باعث به وجود آمدن فضاهایی می‌شوند که به مرور زمان به محل تجمع معضلات شهری تبدیل می‌شود. از وقوع جرم و افزایش آسیب‌های اجتماعی گرفته، تا احساس ناتوانی در بازسازی مالی و فرهنگی خود و غیره. به طور کلی مناطق حاشیه‌نشین، بخش‌های مغفولی از شهر هستند که مهاجران فقیر و مصیبت‌زده، اولین خانه‌ی ارزان و کوچک خود را در آنجا بنا کرده و شروع به جست‌وجو برای یافتن کار و شغل مناسب در همان حوالی می‌کنند. بررسی و مطالعه مرکز اسکان بشری سازمان

1- Social inequality

2- Grep

از میان این اصطلاحات، موردی که بیشتر مورد قبول قرار گرفته، واژه اسکان غیررسمی است، زیرا حدود چهل سال است که در کشور ما برنامه‌ریزی رسمی انجام می‌شود؛ از این‌رو سکونت‌گاه‌هایی که خارج از برنامه رسمی ایجاد شوند، غیررسمی هستند. این واژه، جامعیت فراگیری دارد و شاهد به کارگیری آن در اسناد مدارک ملی هستیم (سند ملی و سامان‌دهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی مصوب هیأت وزیران، ۱۳۸۲). اسکان غیررسمی را می‌توان به شیوه زندگی و فضای خاصی از زندگی شهری اطلاق کرد که در تمامی یا غالب جهات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار و نحوه شکل‌گیری و سیر تحولات تاریخی با بخش‌های مجاور تفاوت اساسی دارد. مساکن نامعلوم، خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و تاریک، مشکلات محیطی و بهداشتی، فزونی و تراکم بالای جمعیت، فقر فرهنگی و آسیب‌پذیری بالا در برابر حوادث طبیعی، سطح پایین برخورداری از امکانات و تسهیلات زندگی، نداشتن امکانات لازم، تأسیسات و خدمات شهری، اشتغال غالب در مشاغل غیررسمی، تصرف غیر قانونی زمین و... از ویژگی‌های اسکان غیر رسمی است. عمده‌ترین ملاک‌های رسمیت نداشتن، ویژگی‌های مسکن و مالکیت بر زمین است (کمانرودی، ۱۳۷۶: ۱۸).

نابرابری اجتماعی: نابرابری اجتماعی به موقعیت‌های نابرابر بین افراد اشاره دارد که می‌تواند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی باشد. نابرابری اجتماعی، بنیان‌های متعددی می‌تواند داشته باشد. عده‌ای از محققان معتقدند که بنیان‌های اصلی نابرابری، تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی است. دیدگاه دیگر معتقد است نابرابری در اصل، مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با افراد، بین آن‌ها قائل می‌شود. علت این تمایز، مشخصه‌هایی هم‌چون طبقه اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است که به طریق اجتماعی تعریف شده‌اند. از آنجا که طبقه، اساسی‌ترین نوع نابرابری، یعنی تفاوت در میزان دسترسی مردم به ابزار مادی زندگی است، از این‌رو در

شدن مناطق و گروه‌های اجتماعی، گسترده شدن تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی در میان شهروندان، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۹۱)، تهدید امنیت اجتماعی شهرها و در یک کلام تهدید پایداری شهری اشاره کرد. این آمیخته شدن نابرابری اجتماعی با جدایی‌گزینی فضایی، نتایج تعیین‌کننده‌تری از لحاظ اجتماعی باقی می‌گذارد. از این‌رو در این تحقیق سعی بر آن داریم تا با بررسی شاخص‌های اجتماعی، وضعیت نابرابری این شاخص‌ها را در بلوک‌های حاشیه‌نشین شهری در دو دوره مقایسه کرده، تغییرات کمی و کیفی آن‌ها را بسنجیم و با توجه به وضعیت آن‌ها راه‌کارهای مناسبی برای سامان‌دهی این نابرابری‌ها ارائه دهیم. بنابراین این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

- ۱- آیا سطح تحولات شاخص‌های اجتماعی در نواحی اسکان غیر رسمی شمال تبریز از حاشیه جغرافیایی به متن اصلی شهرها، تحت تأثیر سیاست‌های اجرایی عمومی ارتقای کیفی پیدا کرده است؟
- ۲- آیا میزان کیفیت شاخص‌های اجتماعی بین دهه‌ی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تحت تأثیر سیاست‌های اجرایی عمومی اقشار کم‌درآمد افزایش داشته است؟

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

مفهوم حاشیه‌نشینی: پدیده مورد نظر در کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها با نام‌های مختلفی بیان شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، سکونت‌گاه‌های افراد کم‌درآمد، سکونت‌گاه‌های نیمه‌دائمی موقتی^۱، سکونت‌گاه‌های آلونکی^۲، سکونت‌گاه‌های غیرمجاز^۳، سکونت‌گاه‌های کنترل نشده، سکونت‌گاه‌های برنامه‌ریزی نشده^۴، سکونت‌گاه‌های نابهنجار یا نابسامان^۵، سکونت‌گاه‌های حاشیه‌نشین^۶ و حاشیه‌نشینی (هادی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۹).

- 1- Semi income settlement
- 2- Shanty town settlement
- 3- Unauthorized settlement
- 4- Unplanned settlement
- 5- Irregular settlement
- 6- Marginal settlement

بزرگ آشکارتر بوده و معمولاً با «جدایی‌گزینی فضایی»^۴ همراه است؛ یعنی قشربندی و نابرابری اجتماعی به تدریج به جدا شدن اقشار مختلف اجتماعی در فضا منجر می‌گردد و نابرابری اجتماعی، جلوه‌ای فضایی پیدا می‌کند (ساوج و وارد،^۵ ۱۳۸۷: ۹۲). از طرفی الگوهای فضایی شهر غالباً برحسب مقولات اجتماعی متفاوت مورد توجه قرار می‌گیرند. به طوری که گروه‌های اجتماعی در بخش‌های متفاوتی از شهر، خوشه‌بندی می‌شوند. برای مثال، افراد ثروتمند مایل نیستند در فضاهایی مشابه با فقیران زندگی کنند. در اغلب اشکال، فضای شهری می‌تواند با مرز مشخص شود و از طریق الگوهای تفاوت اجتماعی و نابرابری منعکس گردد (Joseph, 2008: 32).

عدالت و عدالت اجتماعی در فضاهای شهری: مفهوم عدالت از منظرهای مختلف قابل بررسی است و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چندبعدی بودن این مفهوم است (مرصوسی، ۱۳۸۳: ۹۱). عدالت در نظر افلاطون، بخشی از فضیلت انسانی و در همان حال رشته‌ای است که مردمان را در داخل دولت‌ها به هم پیوند می‌دهد (فاستر،^۶ ۱۳۷۰: ۵۷). تا سه دهه‌ی اخیر، نظریه‌ها و مطالعات درباره‌ی عدالت متمرکز بر جنبه‌های اقتصادی آن بود، ولی از آن زمان به بعد، مفهوم عدالت و تساوی به طرف مباحث مختلف مادی (بازنگری سیاست‌های توزیعی) و غیرمادی (آزادی، شادی، فرصت‌ها، کیفیت زندگی، امنیت و غیره) گرایش پیدا کرده است (Wagner, 2010: 4). عدالت اجتماعی از جذاب‌ترین شعارهای مکاتب بشری در طول تاریخ بوده است و در دهه‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که دانشمندان علوم اجتماعی به آن توجه دارند. این امر ناشی از رویکرد واقع‌بینانه‌ی تمامی رشته‌های علوم انسانی به فرایندهای نابرابر در جهان است (مرصوسی، ۱۳۸۳: ۹۱).

اکثر بحث‌های مربوط به نابرابری اجتماعی، اهمیت بسیاری دارد. اما نابرابری اجتماعی ضرورتاً طبقاتی نیست. مثلاً اختلاف دستمزد میان یک کارگر ساده و یک کارگر متخصص، این دو را در دو طبقه مختلف اجتماعی قرار نمی‌دهد. نابرابری طبقاتی نابرابری‌ای است که ریشه در ساختار زندگی اقتصادی داشته باشد و به عملکرد متفاوت اقتصادی مربوط می‌شود و از راه نهادهای اساسی اجتماعی و قانونی هر دوره تداوم یافته و تشدید می‌شود (کمالی، ۱۳۷۹: ۹۵).

جان راولز^۱ (۱۳۸۳)، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را به دو شرط، قابل قبول و منصفانه می‌داند: نخست این‌که این نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مقام‌هایی باشد که تحت شرایط برابری منصفانه‌ی فرصت‌ها، باب آن‌ها به روی همگان گشوده است؛ و دوم این‌که این نابرابری‌ها باید بیش‌ترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد (اصل تفاوت) (راولز، ۱۳۸۳: ۸۴). از این دیدگاه، توزیع یا بازتوزیع منابع در صورتی عادلانه تلقی می‌شود که منفعت آن برای محروم‌ترین اعضای آن جامعه بیش‌تر باشد (فیتز پاتریک^۲، ۱۳۸۱: ۱۲).

نابرابری اجتماعی در فضاهای شهری: در هر جامعه‌ای، نابرابری در مراتب مختلفی بروز می‌یابد و معمولاً در مناطق شهری، قشربندی و نابرابری اجتماعی بیش از مناطق روستایی دیده می‌شود (Chen and Sun, 2006: 521). لاورنس^۳ (۲۰۰۲) معتقد است که افزایش نابرابری‌های اجتماعی در مناطق شهری با تغییر ساختار و موقعیت ترکیبی جمعیت‌های شهری، به‌علاوه ساختار محلی، ملی و اقتصاد جهانی مربوط است. به نظر وی تنوع مادی، اقتصادی و اجتماعی از خصوصیات آشکار شهرهای امروزی است. جمعیت نامتجانس شهرها می‌تواند ناشی از قومیت، درآمد و پایگاه اجتماعی باشد. این نوع تمایزها اغلب به وسیله‌ی آموزش، موقعیت مسکونی، حیثیت شغلی، مالکیت، دارایی و ثروت مادی نمایان می‌شود و پایدار می‌گردد. این تمایزها در شهرهای

4- Spatial segregation
5- Sowj And Ward
6- FASTER

1- John Ravels
2- Feets Patrik
3- Lawrens

نیست، تبعیض و نابرابری است که موجب سلب امنیت ملی و اجتماعی جامعه می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که عدالت اجتماعی به لحاظ جغرافیایی و فضایی، توزیع منابع عمومی با سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجتماعی و جغرافیایی است (Smith et al, 1994: 32).

روش تحقیق

تحلیل حاضر از نوع کاربردی است که با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، از رویکرد کمی - تحلیلی در این پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، حاشیه‌نشینان شمال شهر تبریز در دوره‌ی زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ است. داده‌های این تحقیق از بلوک‌های آماری موجود در مرکز آمار ایران استخراج شده است. در این تحقیق از پانزده شاخص اجتماعی استفاده شده است. این شاخص‌ها عبارتند از: متوسط بعد خانوار، نرخ سالخوردگی، نرخ بی‌سوادی، نرخ بیکاری، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، بیکاری مردان، بیکاری زنان، نسبت باسوادی، نسبت جمعیت فعال، میزان اشتغال به تحصیل، نرخ باسوادی در بزرگسالان، نسبت جوانی، بار تکفل، مشارکت اقتصادی زنان و میزان فعالیت عمومی.

تحقیق حاضر سعی در ارائه چگونگی پراکنش نابرابری‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و ارزیابی تغییرات این شاخص‌ها در بازه‌ی زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ دارد. بدین جهت برای تحلیل اطلاعات شاخص‌های اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین و تغییرات آن در دوره مورد مطالعه، از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و مدل تحلیل عاملی در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. تحلیل عاملی به عنوان روشی برای تحلیل داده‌های فراوان است و هدف آن خلاصه کردن متغیرهاست. این خلاصه کردن‌ها باید به صورتی باشد که متغیرها، خصوصیت اصلی و اولیه‌ی خود را از دست ندهند (Everitt B.S, 1994:17). بنابراین مدل تحلیل عاملی در این تحقیق به دنبال خلاصه کردن عامل‌ها و متغیرها با حفظ تأثیر این متغیرهاست.

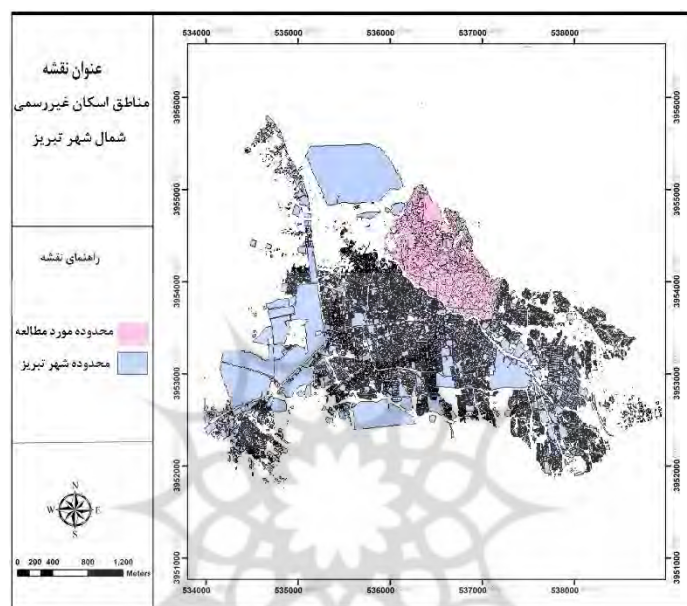
محدوده و قلمرو پژوهش: تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی، یکی از شهرهای بزرگ ایران است.

مفهوم «عدالت اجتماعی در شهر»، در حفظ منافع گروه‌های مختلف اجتماعی به طور عام و گروه‌های هدف به طور خاص، از طریق توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه‌ها است (Gray, 2002: 49). بنابراین عدالت اجتماعی باید در برگزیده‌ی عدالت توزیعی و تخصیصی باشد. زیرا نمی‌توان منافع عمومی، نیازها و استحقاق شهروندان را بدون معیارهای توزیعی و تخصیصی در نظر گرفت. از این‌رو هر گونه برنامه‌ریزی شهری که مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باشد، باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی، استحقاق و هم در تخصیص آن‌ها مؤثر باشد. از جمله عواملی که باید در جهت اجرای عدالت اجتماعی و همراه با عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری رعایت کرد، توزیع مناسب خدمات شهری و استفاده صحیح از فضاهاست. در این خصوص کاربری‌ها و خدمات شهری، عوامل مؤثری هستند که با ارضای نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، عدالت اجتماعی و اقتصادی و فضایی را در مناطق شهر برقرار کنند. بنابراین توزیع نامناسب خدمات شهری نه تنها می‌تواند به برهم زدن جمعیت و عدم توازن آن در شهر بینجامد، بلکه فضاهای شهری را متناقض با عدالت از ابعاد اجتماعی و اقتصادی شکل دهد (وارثی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

اساس نظریه عدالت اجتماعی بر این است که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه بر سازمان فضایی آن تأثیر دارد و نیز هرگونه تغییر در سازمان فضایی در روابط اقتصادی- اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه اثر مستقیم دارد (هاروی^۱، ۱۳۷۶: ۲۱)، حتی اگر با دید اجتماعی- فرهنگی به توسعه توجه شود. می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی همان راه‌یابی به سوی عدالت اجتماعی است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۸۱). در جوامعی که در آن نابرابری حاکمیت داشته باشد، فرصت‌های پیشرفت عادلانه توزیع نشده است. از طرفی جوامع بشری به راحتی می‌توانند فقر و محرومیت را تحمل کنند، ولی آنچه برای هیچ جامعه‌ای قابل تحمل

جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۰، ۱۴۹۴۹۹۸ بوده که حدود یک‌سوم از این جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین ساکن بوده‌اند. مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز در شمال، شمال غربی، جنوب و شرق شهر پراکنده شده‌اند که بیش‌ترین حجم این مناطق مربوط به شمال شهر تبریز است.

این شهر، بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور بوده و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود (زادولی، ۱۳۹۳: ۶۱). تبریز در منطقه‌ای به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع گسترده شده است. این شهر از شمال به کوه عینالی، از غرب به جلگه‌ی تبریز و از جنوب به دامنه‌های کوه سهند محدود شده است.



شکل ۱- موقعیت مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز

۱۳۸۵ از طریق چرخش واریماکس تقلیل پیدا کرده‌اند. مجموع چهار عامل، ۶۵/۴۲ درصد از واریانس را برای سال ۱۳۷۵ و مجموع سه عامل، ۸۰/۹۸ درصد از واریانس را برای سال ۱۳۸۵ تبیین می‌کند. هم‌چنین مقدار KMO برای داده‌های سال ۱۳۷۵، ۰/۷۸۹ و برای داده‌های سال ۱۳۸۵، ۰/۶۲۳ است که بیانگر همبستگی بالای شاخص‌ها و رضایت‌بخش بودن تحلیل عاملی برای شاخص‌های به‌کار رفته است. جداول (۱) و (۳) مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی هر یک از عامل‌ها را برای سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

بحث اصلی

ویژگی تحلیلی شاخص‌های اجتماعی مورد بررسی: در پژوهش حاضر از تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شده، که هدف آن، تعیین نابرابری‌های اجتماعی بلوک‌های شهری و سنجش میزان این نابرابری‌ها در سلول‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز با استفاده از خلاصه کردن تعداد زیاد شاخص‌ها به عوامل معنی‌دار است. بلوک‌های مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز با پانزده شاخص اجتماعی با این روش مورد سنجش و بررسی قرار گرفته‌اند. شاخص‌های به‌کار رفته به چهار عامل برتر در سال ۱۳۷۵ و سه عامل برتر در سال

جدول ۱- عوامل استخراج‌شده، مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آن‌ها در تحلیل داده‌های سال ۱۳۷۵

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۴,۵۴۹	۲۶,۶۹	۲۶,۶۹
عامل دوم	۳,۳۳۸	۱۸,۴۵	۴۵,۱۴
عامل سوم	۲,۴۳۱	۱۳,۳۹	۵۸,۵۳
عامل چهارم	۱,۲۴۵	۶,۸۹	۶۵,۴۲

(منبع: محاسبات نگارندگان)

جدول ۲- مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری در تحلیل داده‌های سال ۱۳۷۵

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	بارتلت	سطح معنی‌داری (Sig)
شاخص‌های اجتماعی سال ۱۳۷۵	۰/۷۸۹	۶۹۱/۹۶۵	۰/۰۰۰

(منبع: محاسبات نگارندگان)

جدول ۳- عوامل استخراج‌شده، مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آن‌ها در تحلیل داده‌های سال ۱۳۸۵

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۳,۲۴	۴۰,۵۳	۴۰,۵۳
عامل دوم	۲,۱۹	۲۷,۳۷	۷۶,۹۲
عامل سوم	۱,۰۴	۱۳,۰۶	۸۰,۹۸۸

(منبع: محاسبات نگارندگان)

جدول ۴- مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری در تحلیل داده‌های سال ۱۳۸۵

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	بارتلت	سطح معنی‌داری (Sig)
شاخص‌های اجتماعی سال ۱۳۸۵	۰/۶۲۳	۷۳۷/۹۴۳	۰/۰۰۰

(منبع: محاسبات نگارندگان)

نتایج بررسی شاخص‌های اجتماعی محدوده مورد

مطالعه در سال ۱۳۷۵

می‌کند. در این عامل، بهترین وضعیت را بلوک‌هایی دارند که با رنگ آبی و بنفش مشخص شده‌اند. رنگ قرمز و قهوه‌ای، بلوک‌ها و سلول‌هایی را نشان می‌دهد که وضعیت نامساعدی دارند. بلوک‌های سبز نیز نشان‌دهنده وضعیت متوسط شاخص‌های اجتماعی در سلول‌های شهری هستند.

الف) عامل اول: در این عامل، پنج شاخص نسبت جمعیت فعال، نرخ سالخوردگی، نسبت جوانی جمعیت، متوسط بعد خانوار و نسبت فعالیت عمومی بارگذاری شده‌اند. مقدار ویژه‌ی این عامل، ۰/۵۴۹ است که به تنهایی ۲۶/۶۹ درصد از واریانس را تبیین

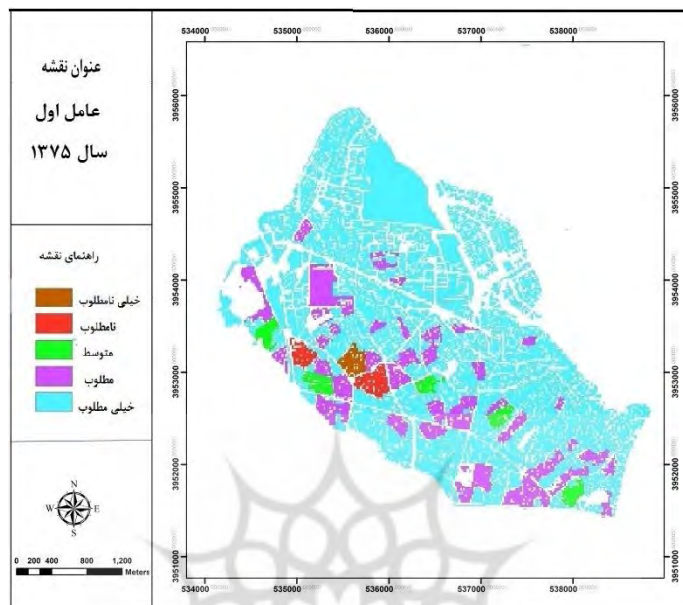
جدول ۵- متغیرهای بارگذاری شده در عامل اول

ردیف	شاخص‌ها	بار عاملی
۱	نسبت جمعیت فعال	۰,۸۶۱
۲	نرخ سالخوردگی	۰,۸۳۳
۳	نسبت جوانی جمعیت	۰,۷۹۶
۴	متوسط بعد خانوار	۰,۷۴۴
۵	میزان فعالیت عمومی	۰,۶۸۹

(منبع: محاسبات نگارندگان)

در بین عوامل چهارگانه دارد. با توجه به این عامل، اکثر بلوک‌ها وضعیت مطلوبی دارند.

با توجه به جدول بالا که پنج عامل بارگذاری شده است، بیش‌ترین تأثیر را نسبت جوانی جمعیت با بار عاملی ۰/۸۶۱ و کم‌ترین تأثیر را میزان فعالیت عمومی با بار عاملی ۰/۶۸۹ دارند. این عامل، بیش‌ترین تأثیر را



شکل ۲- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس عامل اول در سال ۱۳۷۵

مشخص شده‌اند. رنگ قرمز و قهوه‌ای، بلوک‌ها و سلول‌هایی را نشان می‌دهد که وضعیت نامساعدی ندارند. بلوک‌های سبز نیز نشان‌دهنده وضعیت متوسط شاخص‌های اجتماعی در سلول‌های شهری محدوده مورد مطالعه هستند.

(ب) عامل دوم: مقدار ویژه این عامل، ۰/۳۳۸ است که ۱۸/۴۵ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و چهار شاخص نسبت باسوادی، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، نرخ بی‌سوادی و نرخ باسوادی در بزرگسالان بارگذاری شده‌اند. در این عامل، بهترین وضعیت را بلوک‌هایی دارند که با رنگ آبی و بنفش

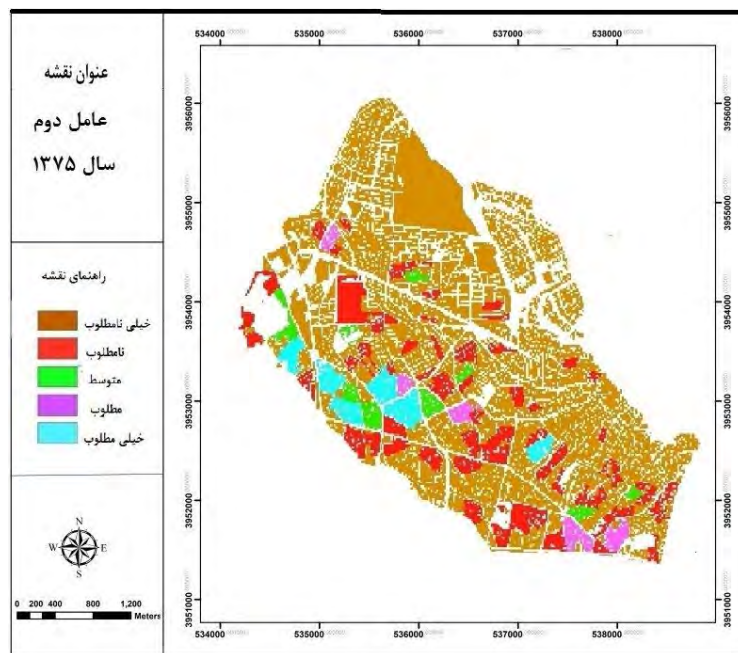
جدول ۶- متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم

بار عاملی	شاخص‌ها	ردیف
۰,۷۴۸	نسبت باسوادی	۱
۰,۷۱۴	نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم	۲
۰,۶۸۱	نرخ بی‌سوادی	۳
۰,۶۱۲	نرخ باسوادی در بزرگسالان	۴

(منبع: محاسبات نگارندگان)

بزرگسالان با بار عاملی ۰/۶۱۲ دارد. با توجه به این عامل، اکثر بلوک‌ها وضعیت نامطلوبی دارند.

با توجه به جدول بالا که چهار عامل بارگذاری شده است، بیش‌ترین تأثیر را نسبت باسوادی با بار عاملی ۰/۷۴۸ و کم‌ترین تأثیر را نرخ باسوادی در



شکل ۳- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس عامل دوم در سال ۱۳۷۵

بین این شاخص‌ها، بیش‌ترین تأثیر را نرخ بیکاری و کم‌ترین تأثیر را میزان مشارکت اقتصادی زنان به ترتیب با بار عاملی $۰/۷۳۱$ و $۰/۵۱۲$ دارد.

(ج) عامل سوم: مقدار ویژه این عامل، $۲/۴۳۱$ است که $۱۳/۳۹$ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و چهار شاخص نرخ بیکاری، بیکاری مردان، بیکاری زنان و میزان مشارکت اقتصادی زنان بارگذاری شده‌اند. در

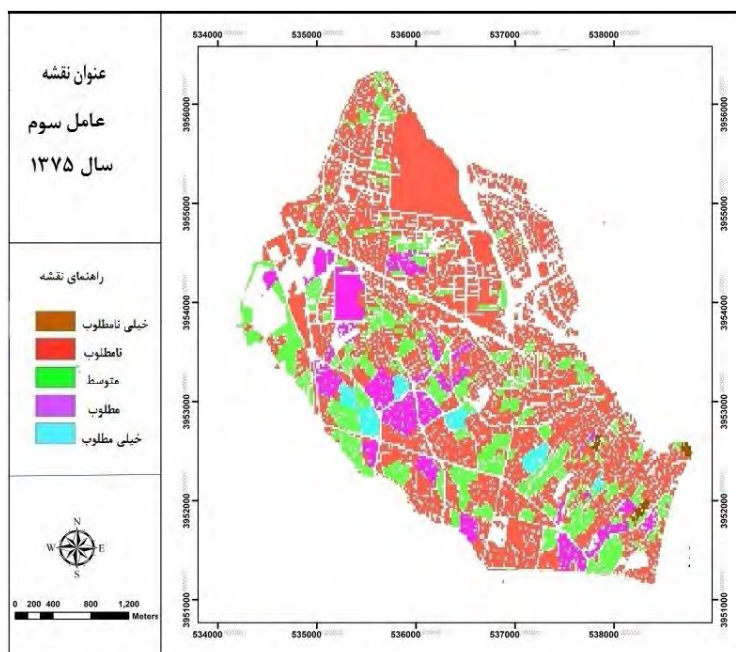
جدول ۷- متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم

بار عاملی	شاخص‌ها	ردیف
$۰/۷۳۱$	نرخ بیکاری	۱
$۰/۶۲۱$	بیکاری مردان	۲
$۰/۵۷۳$	بیکاری زنان	۳
$۰/۵۱۲$	میزان مشارکت اقتصادی زنان	۴

(منبع: محاسبات نگارندگان)

سلول‌های شهری محدوده مورد مطالعه هستند. در این عامل، بلوک‌ها و سلول‌های نامطلوب از سلول‌های مطلوب اندکی بیش‌تر است.

در این عامل، بهترین وضعیت را بلوک‌هایی دارند که با رنگ آبی و بنفش مشخص شده‌اند. رنگ قرمز و قهوه‌ای، بلوک‌ها و سلول‌هایی را نشان می‌دهند که وضعیت نامساعدی دارند. بلوک‌های سبز نیز نشان‌دهنده وضعیت متوسط شاخص‌های اجتماعی در



شکل ۴- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس عامل سوم در سال ۱۳۷۵

بارگذاری شده‌اند که در جدول زیر قابل مشاهده‌اند. این عامل، کم‌ترین تأثیر را در بین عوامل چهارگانه دارد.

د) عامل چهارم: مقدار ویژه این عامل، ۱/۲۴۵ است که ۶/۸۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و در این عامل، دو شاخص میزان اشتغال به تحصیل و بار تکفل

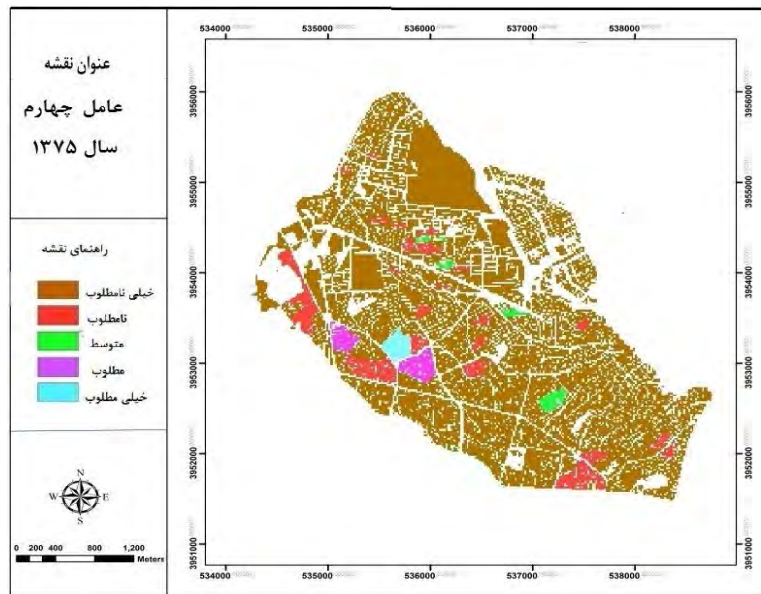
جدول ۸- متغیرهای بارگذاری شده در عامل چهارم

بار عاملی	شاخص‌ها	ردیف
۰,۶۶۶	میزان اشتغال به تحصیل	۱
۰,۵۸۲	بار تکفل	۲

(منبع: محاسبات نگارندگان)

نشان‌دهنده وضعیت متوسط شاخص‌های اجتماعی در سلول‌های شهری محدوده مورد مطالعه هستند. در این عامل، بلوک‌ها و سلول‌های نامطلوب از سلول‌های مطلوب بیش‌تر است.

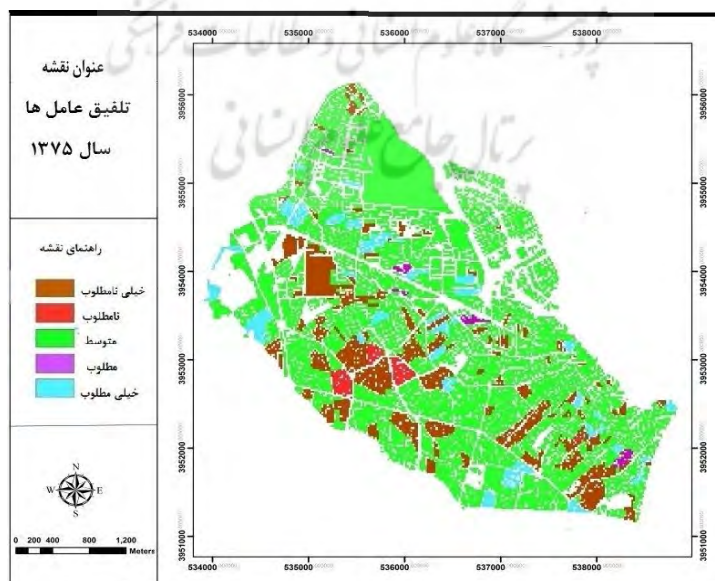
در این عامل، بهترین وضعیت را بلوک‌هایی دارند که با رنگ آبی و بنفش مشخص شده‌اند. رنگ قرمز و قهوه‌ای، بلوک‌ها و سلول‌هایی را نشان می‌دهند که وضعیت نامساعدی دارند. بلوک‌های سبز نیز



شکل ۵- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس عامل چهارم در سال ۱۳۷۵

تعداد ۱۱۹ بلوک معادل ۵/۶ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. بلوک‌های بنفش و آبی به عنوان بلوک‌های دارای وضعیت بسیار مطلوب و مطلوب شناخته شده‌اند. در عین حال بلوک‌های قهوه‌ای و قرمز به ترتیب نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامطلوب و بسیار نامطلوب و بلوک‌های رنگ سبز نیز وضعیت متوسط و متعادل را نشان می‌دهند.

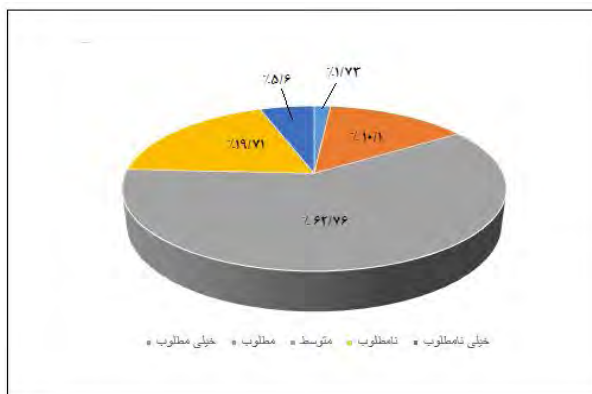
سطح‌بندی بلوک‌ها بر اساس تلفیق شاخص‌های اجتماعی: با تلفیق عوامل چهارگانه یادشده با یکدیگر به عنوان شاخص تلفیقی اجتماعی، نتایج زیر حاصل شده است: بر اساس یافته‌های اولیه از ۲۰۹۰ بلوک در سال ۱۳۷۵، تعداد ۳۶ بلوک معادل ۱/۷۳ درصد خیلی مطلوب، ۳۱۱ بلوک معادل ۱۰/۱ درصد مطلوب، ۱۳۱۲ بلوک معادل ۶۲/۷۶ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۴۱۲ بلوک معادل ۱۹/۷۱ درصد نامطلوب و



شکل ۶- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس تلفیق عامل‌ها در سال ۱۳۷۵

نامطلوبیت این شاخص‌ها نیز به سمت داخلی شهر (متن شهر) سوق دارد و نشان می‌دهد که شاخص‌های اجتماعی نسبت به نزدیکی شهر، وضعیت نامطلوب‌تری در سال ۱۳۷۵ دارند.

هم‌چنین شکل بالا نشان می‌دهد که شاخص‌های اجتماعی در مرکز محدوده مورد مطالعه، وضعیت بسیار مطلوب دارد. نقاط مطلوب که با رنگ آبی نیلی مشخص است نیز اکثراً در مرکز این محدوده قرار دارد.



شکل ۷- وضعیت شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۷۵ بر اساس تلفیق عامل‌ها

خانوار، میزان فعالیت عمومی، میزان مشارکت اقتصادی زنان، میزان اشتغال به تحصیل بارگذاری شده‌اند. این عامل، بیش‌ترین تأثیر را در بین عوامل سه‌گانه دارد. بیش‌ترین تأثیر را در این عامل نسبت جمعیت فعال و کم‌ترین تأثیر را میزان اشتغال به تحصیل دارد.

نتایج بررسی شاخص‌های اجتماعی محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

الف) عامل اول: مقدار ویژه این عامل، ۳/۲۴ است که ۴۰/۵۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل، هفت شاخص نسبت جمعیت فعال، نرخ سالخوردگی، نسبت جوانی جمعیت، متوسط بعد

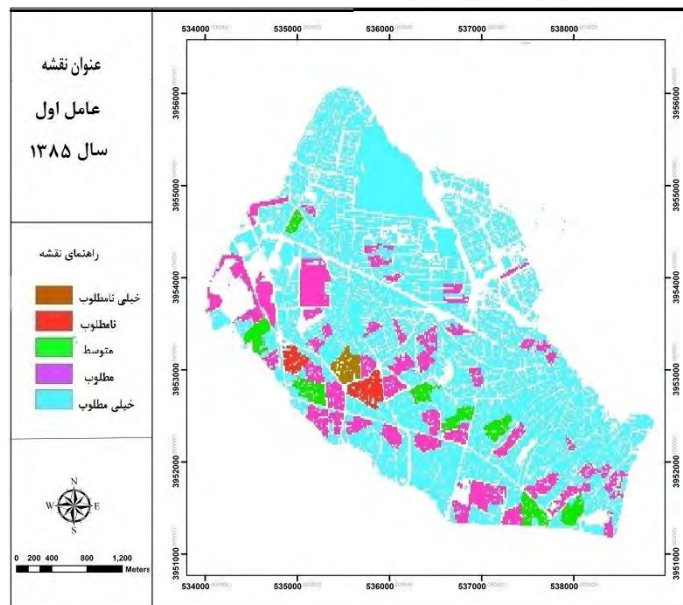
جدول ۹- متغیرهای بارگذاری شده در عامل اول

ردیف	شاخص‌ها	بار عاملی
۱	نسبت جمعیت فعال	۰,۹۸۱
۲	نرخ سالخوردگی	۰,۷۹۶
۳	نسبت جوانی جمعیت	۰,۷۴۴
۴	متوسط بعد خانوار	۰,۶۵۱
۵	میزان فعالیت عمومی	۰,۸۸۱
۶	میزان مشارکت اقتصادی زنان	۰,۸۸۲
۷	میزان اشتغال به تحصیل	۰,۹۰۶

(منبع: محاسبات نگارندگان)

وضعیت نامساعدی دارند. بلوک‌های سبز نیز بیانگر وضعیت متوسط شاخص‌های اجتماعی در سلول‌های شهری محدوده مورد مطالعه هستند.

در این عامل، بهترین وضعیت را بلوک‌هایی دارند که با رنگ آبی و بنفش مشخص شده‌اند. رنگ قرمز و قهوه‌ای، بلوک‌ها و سلول‌هایی را نشان می‌دهند که



شکل ۸- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس عامل اول در سال ۱۳۸۵

مشخص شده‌اند. رنگ قرمز و قهوه‌ای، بلوک‌ها و سلول‌هایی را نشان می‌دهند که وضعیت نامساعدی دارند. بلوک‌های سبز نیز نشان‌دهنده وضعیت متوسط شاخص‌های اجتماعی در سلول‌های شهری محدوده مورد مطالعه هستند.

(ب) عامل دوم: مقدار ویژه این عامل، ۲/۱۹ است که ۲۷/۳۷ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل، چهار شاخص نسبت باسواد، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، نرخ بی‌سوادی و نرخ باسوادی در بزرگسالان بارگذاری شده‌اند. در این عامل، بهترین وضعیت را بلوک‌هایی دارند که با رنگ آبی و بنفش

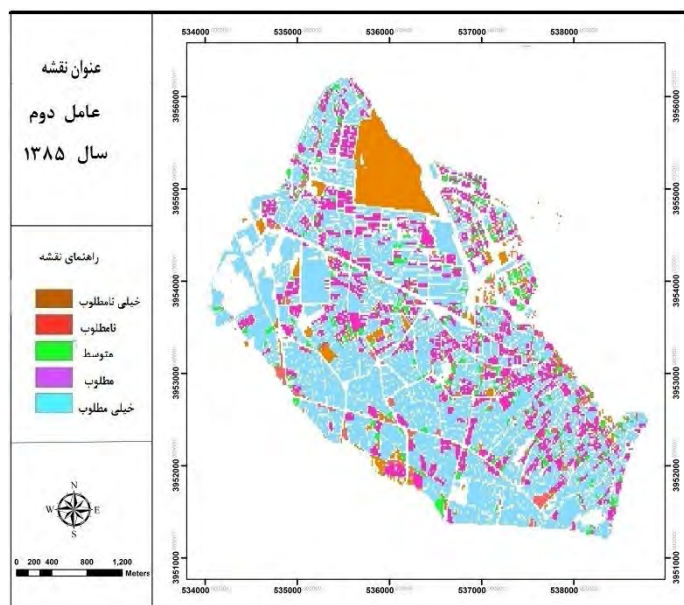
جدول ۱۰- متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم

بار عاملی	شاخص‌ها	ردیف
۰,۸۶۵	نسبت باسوادی	۱
۰,۸۱۲	نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم	۲
۰,۹۳۶	نرخ بی‌سوادی	۳
۰,۷۱۴	نرخ باسوادی در بزرگسالان	۴

(منبع: محاسبات نگارندگان)

عامل، اکثر بلوک‌ها برعکس سال ۱۳۷۵، وضعیت مطلوبی دارند.

با توجه به جدول بالا که چهار عامل بارگذاری شده است، بیش‌ترین تأثیر را نسبت باسوادی با بار عاملی ۰/۸۶۵ و کم‌ترین تأثیر را نرخ باسوادی در بزرگسالان با بار عاملی ۰/۷۱۴ دارند. با توجه به این



شکل ۹- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس عامل دوم در سال ۱۳۸۵

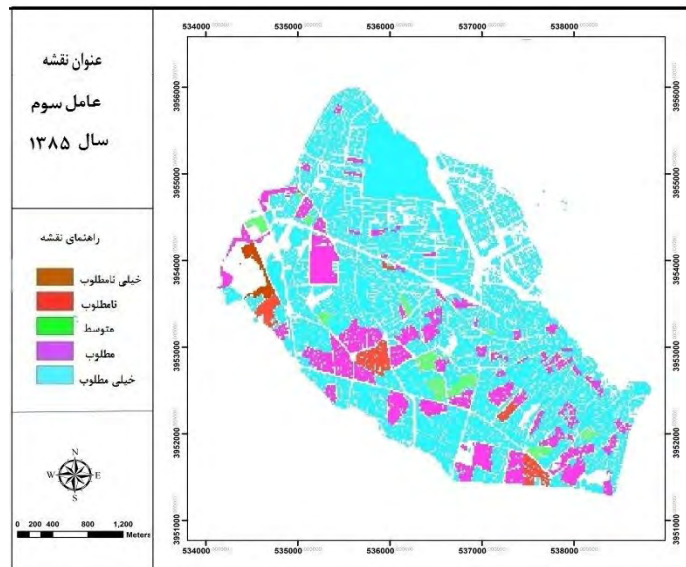
نامساعدی دارند. بلوک‌های سبز نیز نشان‌دهنده وضعیت متوسط شاخص‌های اجتماعی در سلول‌های شهری محدوددهی مورد مطالعه هستند. در این عامل، بیش‌ترین تأثیر را نرخ بیکاری با بار عاملی ۰/۸۳۲ دارد.

ج) عامل سوم: در این عامل، چهار شاخص نرخ بیکاری، بیکاری مردان، بیکاری زنان و بار تکفل بارگذاری شده‌اند. مقدار ویژه این عامل، ۱/۰۴ است که ۱۳/۰۶ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل، بهترین وضعیت را بلوک‌هایی دارند که با رنگ آبی و بنفش مشخص شده‌اند. رنگ قرمز و قهوه‌ای، بلوک‌ها و سلول‌هایی را نشان می‌دهند که وضعیت

جدول ۱۱- متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم

بار عاملی	شاخص‌ها	ردیف
۰,۸۳۲	نرخ بیکاری	۱
۰,۷۳۱	بیکاری مردان	۲
۰,۶۲۱	بیکاری زنان	۳
۰,۵۷۳	بار تکفل	۴

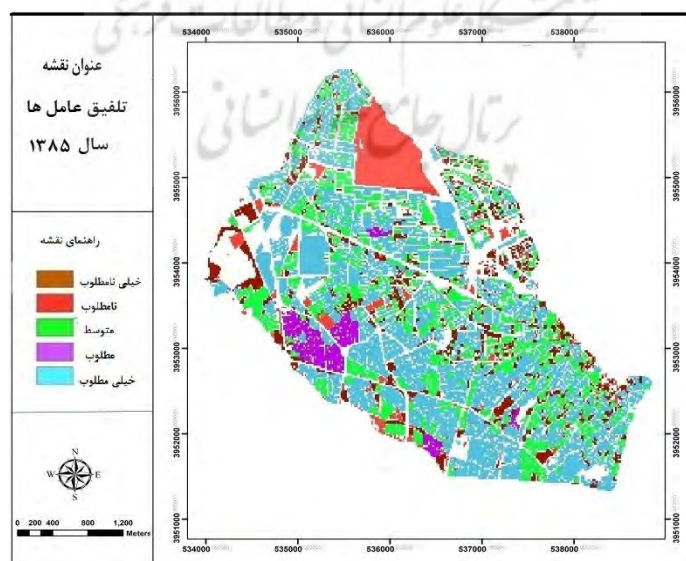
(منبع: محاسبات نگارندگان)



شکل ۱۰- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس عامل سوم در سال ۱۳۸۵

۲/۱۳ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. بلوک‌های بنفش و آبی به‌عنوان بلوک‌های دارای وضعیت بسیار مطلوب و مطلوب شناخته شده‌اند. در عین حال بلوک‌های قهوه‌ای و قرمز به‌ترتیب نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامطلوب و بسیار نامطلوب و بلوک‌های رنگ سبز نیز وضعیت متوسط و متعادل را نشان می‌دهند.

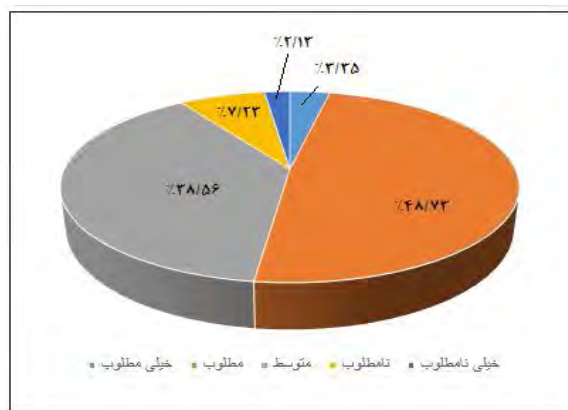
سطح‌بندی بلوک‌ها بر اساس تلفیق شاخص‌های اجتماعی: با تلفیق عوامل سه‌گانه یادشده با یکدیگر به عنوان شاخص تلفیقی اجتماعی، نتایج زیر حاصل شده است: بر اساس یافته‌های اولیه از ۲۱۱۶ بلوک در محدوده‌ی مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵، تعداد ۷۱ بلوک معادل ۳/۳۵ درصد خیلی مطلوب، ۱۰۳۱ بلوک معادل ۴۸/۷۳ درصد مطلوب، ۸۱۶ بلوک معادل ۳۸/۵۶ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۱۵۳ بلوک معادل ۷/۲۳ درصد نامطلوب و تعداد ۴۵ بلوک معادل



شکل ۱۱- بررسی وضعیت اجتماعی بر اساس تلفیق عامل‌ها در سال ۱۳۸۵

می یابد و برعکس، بلوک‌های نزدیک به حاشیه از لحاظ شاخص اجتماعی، وضعیت نامطلوب دارند.

در سال ۱۳۸۵، وضعیت شاخص‌های اجتماعی به گونه‌ای دیگر است. در این سال اکثر نقاط این محدوده وضعیت مطلوب دارند و هر چقدر از حاشیه به متن شهر نزدیک می‌شویم، کیفیت شاخص‌ها افزایش



شکل ۱۲- وضعیت شاخص‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۵ بر اساس تلفیق عامل‌ها

شاخص‌های اجتماعی به سوی متن شهرها بوده است. چنانچه بر اساس یافته‌های اولیه شاخص‌های اجتماعی از ۲۰۹۰ بلوک در سال ۱۳۷۵، تعداد ۳۶ بلوک معادل ۱/۷۳ درصد خیلی مطلوب، ۳۱۱ بلوک معادل ۱۰/۱ درصد مطلوب، ۱۳۱۲ بلوک معادل ۶۲/۷۶ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۴۱۲ بلوک معادل ۱۹/۷۱ درصد نامطلوب و تعداد ۱۱۹ بلوک معادل ۵/۶ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند.

بر اساس یافته‌های اولیه از ۲۱۱۶ بلوک در محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵ نیز تعداد ۷۱ بلوک معادل ۳/۳۵ درصد خیلی مطلوب، ۱۰۳۱ بلوک معادل ۴۸/۷۳ درصد مطلوب، ۸۱۶ بلوک معادل ۳۸/۵۶ درصد وضعیت متوسط، تعداد ۱۵۳ بلوک معادل ۷/۲۳ درصد نامطلوب و تعداد ۴۵ بلوک معادل ۲/۱۳ درصد بسیار نامطلوب شناخته شده‌اند. در پایان ذکر این نکته لازم است که نتایج حاصله صرفاً با تکیه بر شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش است و در صورت نبود مشکلات آماری و به کارگیری شاخص‌های بیشتر، این احتمال وجود دارد که نتایج تحت تأثیر قرار گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی از نواحی شهری به خصوص مناطق اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشین و بررسی سیستم‌ها و زیرسیستم‌های مربوطه، مانند: بررسی تطبیقی بلوک‌های شهری از منظر تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تصمیمات و اجرای برنامه‌های مناسب برای کاهش نابرابری‌ها و سامان‌دهی این مناطق یاری رساند. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش که با هدف ارزیابی نابرابری‌های شاخص‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز و بر مبنای اطلاعات بلوک‌های آماری سال ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ انجام شده است، مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۷۵ از نظر اجتماعی، محدوده‌ی مورد مطالعه در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد و اکثر بلوک‌ها و سلول‌های مسکونی از نظر شاخص‌های مورد بررسی در شرایط نامطلوبی قرار داشتند.

در سال ۱۳۸۵ این نامطلوبی بر اساس سیاست‌های مدیران اجرایی تا حد قابل قبولی، ارتقای کمی و کیفی پیدا کرده است که بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان مشاهده کرد که این ارتقای

پیشنهادها

- بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی شهر و اصلاح آن مطابق با عدالت اجتماعی و در برگیری همه اقشار جامعه.
- اعمال سیاست‌های تمرکززدایی و جلوگیری از رشد لجام‌گسیخته و بی‌رویه‌ی شهر تبریز برای جلوگیری از مهاجرت بیش‌تر افراد.
- ایجاد و ارائه‌ی کارگاه‌های کوچک برای ایجاد اشتغال و انتقال بخشی از جمعیت فعال به سایر نقاط شهر.
- توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان از طریق فعال ساختن و شریک کردن آنان در طرح‌های سامان‌دهی و توانمندسازی محله.
- جلوگیری از مهاجرت به این محدوده به دلیل تراکم بالای جمعیت در این محلات.
- برای ارتقای شاخص‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین در سال‌های آتی، راه‌کارهایی چند در ذیل ارائه می‌شود:
 - توسعه خدمات بهداشتی - آموزشی و رفاهی در شهرها و روستاهایی که بالقوه آمادگی مهاجرت به حواشی کلان‌شهر تبریز را دارند.
 - زمینه‌سازی برای ایجاد فعالیت‌های اقتصادی منطبق با شرایط و ویژگی‌های مهاجران از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بالا بردن مهارت نیروی کار.
 - بهبود سرانه کاربری‌های شهری در محلات حاشیه‌نشین از طریق افزایش دادن سرانه‌های مسکونی، فرهنگی، آموزشی، تجاری در محله با حمایت دولت و با مشارکت مردم.

منابع

۱. پیران، پرویز. ۱۳۸۷. از اسکان غیر رسمی تا اسکان نایابی، فصل‌نامه علمی - تخصصی هفت شهر، شماره ۲۳، زمستان، صص ۱۵-۲۹.
۲. حاتمی‌نژاد، حسین؛ رحمت‌الله فرهودی و مرتضی محمدپور جابری. ۱۳۸۷. تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مطالعه موردی: شهر اسفراین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵، پاییز.
۳. راولز، جان. ۱۳۸۳. عدالت به مثابه انصاف. ترجمه عرفان ثابتی. تهران، ققنوس.
۴. زادلوی، فاطمه. ۱۳۹۳. سنجش تغییرات گسترش فقر در فضاهای شهری تبریز طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، استاد راهنما: شهریور روستایی، دانشگاه تبریز، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی.
۵. ساوج، مایک و آلن وارد. ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی شهری. ترجمه‌ی ابوالقاسم پوررضا. تهران، سمت.
۶. سند ملی و سامان‌دهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی مصوب هیأت وزیران. ۱۳۸۲.
۷. فاستر، مایکل. ۱۳۷۰. خداوندان اندیشه سیاسی. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. جلد اول. تهران، انتشارات امیرکبیر.
۸. فیتز پاتریک، تونی. ۱۳۸۱. نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟). ترجمه هرمز همایون‌پور. تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۹. کمالی، علی. ۱۳۷۹. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی. چاپ اول، تهران، سمت.
۱۰. کمانرودی، موسی. ۱۳۷۶. اسکان غیررسمی در تهران، سامان‌دهی اسکان غیررسمی منطقه ۶ شهرداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مظفر صراف، دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشکده علوم زمین.
۱۱. گرپ، ادوارد بی. ۱۳۷۷. نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر. ترجمه‌ی محمد سیاه‌پوش و احمدرضا غروی‌زاده. تهران، معاصر.
۱۲. مرصوصی، نفیسه. ۱۳۸۳. تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران (مطالعه موردی: شهرداری تهران)، پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما: دکتر حسین شکویی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.

۱۳. مطیعی لنگرودی، سیدحسن. ۱۳۸۰. راهبردهایی در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار ۸۰.
۱۴. هادی‌زاده، مریم. ۱۳۸۲. حاشیه‌نشینی و راه‌کارهای سامان‌دهی آن در جهان. مشهد، شهرداری با همکاری نشر تیه.
۱۵. هاروی، دیوید. ۱۳۷۶. عدالت اجتماعی و شهر. ترجمه فرخ حسامیان؛ محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۶. وارثی، حمیدرضا، علی زنگی آبادی و حسین یغفوری. ۱۳۸۷. بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: زاهدان)، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱.
17. Blanco, H., Albertin, M., Olshansky, R., changes, S., wheelw, S.M., Randolph, J. 2009. Shaken, shirinking hot, improverieshed an informal: Emerging research agendas in planning. *Progress in planning* 72(4): 195-250.
18. Chen, Wiangming and Jiaming Sun. 2006. "Sociological Perspectives on Urban China: Fom Familiar Territories to Complex Terrains", *China Information*, 20(3): 519 -551.
19. Everitt, B.S. 1994. *Statistical Methods for Medical Investigations*. Edward Arnold. London.
20. Fekade, W. 2000. Difficits of formal urban land management and informal responses under rapid urban growth. *An international perspective habitat international*, 24(2): 127-150.
21. Gray, Rob. 2002. the Social accounting project and Accounting Organization and Society Privileging engagement, *imaging new Accounting, Organization and society*.
22. Halfacree, Keith. 2001. *Constructing the Objects: Taxonomic Practices, Counter-Urbanization, Marketing Theory*, 3(1).
23. Joseph, L. 2008. "Finding Space Beyond Variables: Analytical Review of Urban Space and Social Inequalities", *Space for Difference: An Interdisciplinary Journal*, 1(2): 29-50.
24. Kerbo, H.R. 2003. *Social Stratification And Enequality, Class Conflict In Historical, Comparative and Global Perspective*, London", New York: Mcgraw Hill.
25. Lawson, Rod and Sarah Tood. 2002. "Consumer Lifestyles: A Social Stratification Perspective", *Marketing Theory*, 2(3): 295-307.
26. Sietchiping, R. 2004. *A Geografic Information Systems and Cellular Automata- Based Model of informal Settlement Growth*. The Univercity of Melbourne, Melbourne. Singleton Park, Swansea, Sa20 DA. UK.
27. Smiht, David, 1994. *Geography and Social Justic*, Blakwell, Oxford, UK & Cembrige USA.
28. UN- Habitat. 2009. *Planning sustainable cities: global report on human settlements 2009*, Nairobi.
29. UN-Habitat. 2008. *State of the World's Cities report 2008/9: Harmonious Cities* (<http://www.unhabitat.org>.)
30. Wagner, Cynthia. 2010. *Spatial Justice and the City of Sao Paulo*, Bachelor's Thesis in Major, Leuphana University Lüneburg.